



پاسخ به مسائل بنیادین فلسفه‌ی سیاسی در اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی

حامد علیزاده^۱، کوب دارابی^۲، محمد غفوری فر^۳

۱- دانشجوی دکترای فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی دکترای فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کوثر بجنورد

چکیده

خواجه نصیرالدین طوسی از جمله اندیشمندان برجسته‌ی مسلمان می‌باشد که به جهت شرایط سیاسی-اجتماعی زمان خود، توجه خاصی به حکمت عملی با اقسام سه‌گانه‌اش نموده و در این راستا اثر مهم اخلاق ناصری را نگاشته است. ایشان بخش عمده‌ی مباحث سیاسی اش را در بخش سوم کتاب اخلاق ناصری؛ «سیاست مدن»، مطرح کرده است. البته می‌توان گفت؛ بیش‌تر نظرات ایشان شرح و تفسیر آرای سیاسی فارابی می‌باشد. با تفحصی که در اندیشه‌ی سیاسی خواجه نصیر انجام دادیم مشخص گردید که ایشان؛ هم به مسائل مربوط به فلسفه‌ی سیاسی پرداخته و هم به مباحث مربوط به دانش سیاست. به عبارت دیگر؛ اندیشه‌ی سیاسی ایشان تلفیقی از مباحث علم سیاست و فلسفه‌ی سیاست می‌باشد؛ لذا برای اثبات این نظر، در این پژوهش سعی گردیده است تا مسائل مربوط به فلسفه‌ی سیاسی و مباحث مربوط به دانش سیاست را در اندیشه‌ی سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی از همدیگر تفکیک نموده و به بیان مهمترین آنها بپردازیم.

واژگان کلیدی: سیاست مدن، فلسفه سیاسی، دانش سیاست، خواجه نصیرالدین طوسی